



منابع ثروت ساز در ایران

باغ خزان دیده ثروت

کشورهای صاحب اقتصاد امروز جهان از هیچ، همه چیز ساخته‌اند، اما ما هنوز احساس کمبود می‌کنیم.

ثروت بالقوه ایران بسیار است و بالفعل آن اندک! ما علیرغم آن که پتانسیل‌های بسیاری برای تولید ثروت در اختیار داریم، اما در استفاده بهینه از این ظرفیت‌ها ناتوان نشان داده‌ایم.

ذخایر نفتی کشورمان معادل ۱۳۷ میلیارد و ۶۰۰ میلیون بشکه است. ذخایر گازی ایران هم معادل ۳۰ تریلیون و ۱۰۰ میلیارد متر مکعب تعیین شده که از این حیث در مقام دوم جهان قرار داریم. در قانون اساسی، نفت و گاز جزو ائفال به حساب آمده‌اند که باید برای رفاه نسل‌ها هزینه شوند. نسل آینده به کنار، نسل فعلی جامعه هم از چنین رفاهی برخوردار نیست.

درآمد سرانه کشورمان را با کشورهای دنیا مقایسه کنید. درآمد سرانه ایران معادل ۴ هزار و ۵۴۰ دلار در پایان سال ۲۰۰۹ بوده، در حالی که کشور ژاپن با جمعیتی تقریباً دو برابر ایران، از درآمد سرانه ۳۹ هزار و ۷۲۷ دلاری بهره مند است. بر اساس گزارش ماه اوت صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ذخایر ارزی ایران معادل ۸۱ هزار و ۳۱۰ میلیون دلار برآورد شده، در حالی که ذخایر ارزی ژاپن معادل یک میلیون و ۵۰ هزار و ۲۳۸ میلیون دلار اعلام شده است. مصرف بی‌حد و حصر ذخایر ارزی جهت واردات کالاهای مصرفی که ثروتی خلق نمی‌کنند، مهمترین دلیل این امر است. البته خود این مسأله از بی‌برنامگی مدیران و عدم آینده نگری آنها حکایت دارد که توجهی به انباشت و خلق ثروت در کشور نمی‌کنند.

علاوه بر جاه‌های عظیم نفتی و گازی کشور، یکی از بزرگترین معادن فیروزه جهان در نیشابور قرار دارد. وسعت مناطق جنگلی ایران معادل ۱۱۰ هزار و ۷۵۰ کیلومتر مربع است و از این حیث، چهل و هشتمین کشوری هستیم که بیشترین پوشش جنگلی را در جهان داریم. کشورمان با تولید ۸۵۰ کیلوگرم طلا در رده ۶۶ بزرگترین تولید کنندگان این فلز گرانبها قرار دارد. همچنین با تولید ۴۵۷ هزار تن آلومینیوم در رده هفدهم تولید کنندگان برتر این محصول در جهان هستیم. کل استخراج مس ایران در ۶ ماهه امسال معادل ۴۹/۹ میلیون تن بوده که از این حیث در زمره تولیدکنندگان مهم مس جهان قرار گرفته‌ایم.

حال اگر نیروی انسانی کشور را که مهمترین عامل تولید ثروت است نیز مد نظر قرار دهیم، سؤال ما این است که چرا با این همه منبع ثروت ساز، هنوز هشتمان گرو نهمان است؟

مشکل ما آن است که از ظرفیت‌های بالقوه مدیریتی کشورمان کمتر استفاده می‌کنیم. فکر و ذکر ما محدود به عوامل فنا پذیر و ظواهر امر شده و از بطن کار غافل شده‌ایم. ما تخصص نیروی انسانی را که از عوامل اصلی تولید ثروت است فراموش کرده‌ایم. بهره‌وری عوامل تولید که باید سرلوحه کارهایمان باشد در اقتصاد ایران کم‌رنگ است. رشد بهره‌وری نیروی کار در پایان سال گذشته معادل ۰/۲ درصد بوده و پیش‌بینی می‌شود در سال جاری به رقم ۰/۵ درصد برسد که قطعاً همین رقم اندک هم از تلاش

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۲۴ مثلث دولت-بخش خصوصی-مردم

۲۵ مدیریت و منابع هماهنگ نیستند

۲۷ صفر و یک ثروت آفرین

۲۸ "دولت خود را از تصدی‌گری‌ها کنار بکشد"

۲۹ اقتصاد، مدیون علم

۳۰ بازی پول و قدرت

نیروی کارآمد بخش خصوصی به دست آمده است. بهره‌وری سرمایه را هم که صحبتی از آن نکنیم بهتر است! در پایان سال گذشته نرخ رشد بهره‌وری سرمایه، معادل منفی ۰/۷ درصد بوده که این رقم واقعاً نگران کننده است.

راهکارهای خلاصی

با توجه به این که در دنیای امروز، ثروت حقیقی، علم، نیروی انسانی متخصص و سرمایه به شمار می‌رود و صادرات منابع طبیعی دیگر منبع اصلی ثروت نمی‌باشند، برای خروج از این وضعیت باید هر چه سریع‌تر به پیشبرد تخصص نیروی انسانی در کشور روی آورد. یکی از راهکارهای موجود در این مقوله، معکوس کردن فرار مغزها است که در آن ید طولایی داریم. راهکار دوم تقویت استادان و حتی معلمان کنونی کشور است. قدم بعدی، واردات استادان دانشگاهی تراز اول جهانی است تا از این منظر بتوان علم قابل انتقال به اقتصاد و صنعت را به دانشجویان تعلیم داد. در این میان ایجاد تحول در نظام آموزشی دبستان تا دانشگاه را نباید فراموش کرد. به طور حتم، این راهکارها کمک بسیار مؤثری به رشد تخصص نیروی انسانی کشور در میان ملت خواهند کرد. البته با توجه به شرایط کنونی کشورمان در عرصه بین‌الملل، این کار سخت‌تر از گذشته شده و

علم و اقتصاد در جهان

کشور	محصول ناخالص داخلی (GDP)	هزینه تحقیق و پژوهش (درصدی از GDP)
آمریکا	۱۴,۲۵۶,۳۰۰	۲/۶۵
ژاپن	۵,۰۶۷,۵۲۶	۳/۴۰
کره جنوبی	۸۳۲,۵۱۲	۳/۲۲
ترکیه	۶۱۷,۰۹۹	۰/۵۸
نروژ	۳۸۱,۷۶۶	۱/۵۳
ایران	۳۳۱,۰۱۵	۰/۶۷
رژیم صهیونیستی	۱۹۴,۷۹۰	۴/۵۳

استخراج: واحد تحقیقات ماهنامه از بانک جهانی و سازمان ملل

نقش و رابطه دولت، مردم و بخش خصوصی در تولید

مثلث دولت-بخش خصوصی-مردم

بازبزرگان اقتصاد ایران، در فضایی جای گیری کرده‌اند که پُر از نقص و ایراد است.

عدم مرغوبیت و کیفیت لازم برخی کالاهای تولید شده در داخل برای رقابت با بازارهای جهانی و البته پولشویی از مهمترین دلایل افزایش قاچاق در کشور بوده‌اند. دولت باید مشکلات اینچنینی را که به فضای کسب و کار کشور آسیب می‌رسانند، رفع نماید تا تولید کنندگانی که در حال حاضر همه هم و غمشان آن است که چک‌هایشان برگشت نخورد و یا بنگاهشان به ورطه ورشکستگی



در ایران اگر چه به غلط، دولت مهمترین بازیگر اقتصادی کشور به شمار می‌رود، اما این بازیگر هنوز نتوانسته نقش خود را به خوبی انجام دهد. نکته آن که ناکارآمدی این مهره بر عملکرد دیگر مهره‌ها هم تأثیر دارد و به همین دلیل است که امروز اقتصاد قدرتمندی نداریم.

بخش خصوصی در اقتصاد ایران جایگاه مطلوبی ندارد و اگر چه در خلال سال‌های اخیر، بعضاً شاهد

نیفتد، به تولید کنندگان ثروت آفرین بدل شوند. علاوه بر این، دولت باید بی‌انضباطی‌های بودجه‌ای خود را کنترل کند تا شرایط اقتصادی کشور به ثبات برسد. همچنین به دلیل آن که نهادهایی همچون اتاق بازرگانی - که باید به مقوله تولید ثروت در کشور نظارت داشته باشند - عملکرد خوبی ندارند، دولت باید با اصلاح اوراق بازرگانی شرایط را برای حضور بیشتر بخش خصوصی فراهم نماید.

اوراق مشکل گشا

خصوصیت این اوراق آن است که با تاریخ سررسید بسیار کوتاه (کوتاه مدت) توسط بخش خصوصی منتشر می‌شوند و به جای آن که به خریدار بهره دهند، آن را با تخفیف فروخته و در زمان سررسید، قیمت اصلی را به خریدار ورقه برمی‌گردانند. این اوراق، یکی از ابزارهای کارآمد تأمین مالی شرکت‌ها هستند که با توجه به مشکلات مالی بنگاه‌های داخلی، استفاده از این ابزار اقدام کار سازی خواهد بود. در کنار موارد مذکور، دولت باید کلیه موانعی را که به تولید آسیب می‌رسانند از میان بردارد. به عنوان مثال، علاوه بر اصلاح برخی قوانین و همچنین ترمیم بسیاری از بازارها که نواقص آنها بخش تولیدی را با مشکل مواجه نموده، تعطیلی‌های زیاد ایران، حجم این مشکلات را بیشتر کرده‌اند. در سال‌هایی نه چندان دور، برخی از کشورهای پیشرفته برای ارج نهادن به زحمات توماس ادیسون، یک ساعت از یک روز خاص را به خاموشی اختصاص می‌دادند، اما به دلیل ضربه‌های مهلکی که تنها از همین یک ساعت خاموشی بر اقتصادشان وارد می‌شد، این حرکت نمادین را به فراموشی سپردند.

در کشور ما در برخی فصول سال، دولت با قطع برق واحدهای تولیدی - آن هم در قالب برنامه‌های زمان بندی شده! - نه یک ساعت، بلکه ساعت‌ها برق بنگاه‌های تولیدی

و آکناری‌هایی به بخش خصوصی بوده‌ایم، اما به دلیل آن که و آکناری‌های صورت گرفته، تحت همان تفکر سابق دولتی محور تحقق یافته‌اند، شاهد توسعه بخش خصوصی و به تبع آن اقتصاد کشور نبوده‌ایم. انتقاد ما به این دلیل است که بخش قابل توجهی از اقتصاد کشور به بودجه دولت وابسته است و اگر رقم این بودجه‌ها کاهش یابند، چون سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت برنامه خاصی برای درآمد زایی خود ندارند، ناکارایی و بی‌بازدهی آنها بیش از پیش نمایان می‌گردد.

دولت باید مزیت‌های داخلی کشور را شناسایی نماید و یارانه‌های خود را در بخش‌هایی عرضه کند که از مزیت برخوردارند. این امر، منجر به ظهور و بروز توانایی‌های موجود در عرصه رقابتی کشور شده و به ثمر بخشی حمایت‌ها در راستای تأثیر گذاری بهتر و خلق بیشتر ثروت خواهد انجامید. این مسأله، تجربه کشورهای توسعه یافته دنیا است که امروز در اختیار ما قرار گرفته است. به عنوان مثال، سوئیس به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان که مزیت قابل توجهی را در بخش کشاورزی خود جست‌وجو نموده، حتی حاضر به عضویت در اتحادیه اروپا هم نشده تا بتواند بدون قوانین دست و پا گیر، با وضع انواع تعرفه‌های گوناگون بر کالاهای وارداتی کشاورزی، بخش تولیدی و پُربازده خود را همچنان سر پا نگه دارد. در کشور ما نه تنها در سال‌های اخیر با افزایش واردات، کمر تولید شکسته شده، بلکه با عدم نظارت مناسب، راه برای انواع کالای قاچاق در کشور فراهم آمده است. بر اساس گزارش نیروی انتظامی، حجم کل کالای قاچاق وارد شده به کشور در سال گذشته معادل ۱۹ میلیارد دلار بوده که این رقم نسبت به سال قبل از آن ۲۲ درصد افزایش یافته است. مشکلات اشتغال به خصوص در شهرهای مرزی کشور، بوروکراسی بالا و بی‌دلیل اداری در سیستم صادرات و واردات کالا، تعرفه‌های نامتقارن گمرکی،

دولتمردان و مسؤولان اجرایی کشور باید همت بیشتری در خصوص این راهکارها و سیاست‌ها داشته باشند تا این مهم به سر منزل مقصود برسد. همچنین می‌توان اقدام به تأسیس دانشگاه‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در خارج از مرزهای کشور کرد تا علاوه بر افزایش مرادات بین‌المللی، مشکل واردات استادان خبره هم حل شود.

در کنار این روش، به دلیل اهمیت شگرف واحدهای تحقیق و توسعه (R&D) در توسعه محصولات و روش‌های تولید و در گسترش بازارهای داخلی و جهانی، دولت باید با حمایت از بخش خصوصی، آنها را مجاب به سرمایه گذاری در واحدهای تحقیق و توسعه نماید. یکی از خصوصیات واحدهای R&D این است که راهکارهای دستیابی به تکنولوژی کشورهای صاحب اقتصاد را از طریق فرآیند مهندسی معکوس فراهم می‌آورند. این مسأله کمک می‌کند تا با بومی سازی تکنولوژی وارداتی، علاوه بر تولید محصول با کیفیت و منطبق با تکنولوژی روز دنیا، به صادر کننده کالاهای تکنولوژیکی تبدیل شویم. همچنین به دلیل بهره‌وری اندک عوامل تولید در اقتصاد ایران که بیشتر به خاطر ساختار ناهنجار مدیریتی کلان کشور است، باید با برگزاری کلاس‌های توجیهی و کنفرانس‌های حتی فراملی، سبک و سیاق مدیریت روز دنیا را که مبتنی بر حداکثر سازی سود است، به مدیرانمان انتقال دهیم.

باید برای دستیابی به اهداف اقتصادی کشور که چیزی جز رفاه تمام عیار ملی نیست، سرمایه گذاریمان را افزایش دهیم. قطعاً با افزایش سرمایه گذاری به خصوص در حیطه نیروی انسانی و دانش فنی، برگشت پذیری آن را نه تنها در بلند مدت، بلکه در میان مدت هم شاهد خواهیم بود. یکی از سرمایه گذاری‌هایی که در این حوزه برای ثروت سازی در کشور به شدت به آن نیازمندیم، سرمایه گذاری بر نیروی نخبه کشور است. در کنار این مسأله باید به مشکلات این قشر بیشتر بی‌اندیشیم. به عنوان مثال، یکی از مشکلاتی که در یکی دو سال اخیر برای مخترعان کشور به وجود آمده، افزایش شدید هزینه ثبت اختراع - از ۵ هزار تومان به ۵۰۰ هزار تومان - بوده است که این عامل بسیاری از مبتکران را در ارابه و ثبت اختراع خود مأیوس کرده است. قطعاً مبتکری که تمام وقت خود را صرف تحقیق و پژوهش نموده تا ابداعی جدید خلق کند، پولی در بساط خود ندارد که بخواهد آن را صرف ثبت اختراعش نماید. حمایت‌های مادی و معنوی از نخبگان از گام‌های مهمی است که باید برای ثروت سازی ملی هر چه سریع‌تر صورت پذیرد.

بر اساس گزارش بانک جهانی، هزینه تحقیق و پژوهش بر حسب درصدی از محصول ناخالص داخلی (GDP) در کشورمان در سال ۲۰۰۶ با ۰/۰۶ واحد درصد کاهش نسبت به سال ۲۰۰۵ معادل ۰/۶۷ درصد بوده، در حالی که این رقم در کشوری چون کره جنوبی معادل ۳/۲۲ درصد گزارش شده است. ■